

نسبت فقه و اخلاق و آثار آن در روابط اجتماعی بر اساس

سیره فقهی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

احمد جاوید انوری^۱

محمد باقر قیومی^۲

چکیده

فقه و اخلاق، دو مؤلفه بنیادین نظام معرفتی اسلام اند. این دو در هدایت رفتار انسان تأثیر بسیار دارند. گاهی در فهم و اجرای احکام دینی نوعی دوگانگی و انفکاک میان این دو حوزه مشاهده می شود. پرسش محوری پژوهش حاضر آن است که در سیره فقهی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چه نسبتی میان فقه و اخلاق برقرار است و این پیوند چه تأثیری بر نظام اجتماعی مسلمانان دارد؟ این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیره نبوی، الگویی از هم‌افزایی میان فقه به عنوان چارچوب الزام‌آور و اخلاق به عنوان روح ارزش‌گذار ارائه می‌کند؛ بدین معنا که رفتار دینی مطلوب، در پرتو تلفیق احکام شرعی با فضایل اخلاقی معنا می‌یابد. پیامبر در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی، از عبادت تا سیاست و اقتصاد، احکام فقهی را با ملاحظات اخلاقی همچون عدالت، کرامت انسانی و همبستگی اجتماعی در هم آمیخته است. بر این اساس، فاصله‌گیری از سیره فقهی نبوی موجب بروز بحران‌های اخلاقی و ناکارآمدی اجتماعی خواهد شد و بازگشت به این الگو، زمینه‌ساز اصلاح فرهنگی و بازسازی روابط انسانی در جوامع اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، سیره فقهی پیامبر، سیره نبوی (صلی الله علیه و آله)، فقه.

۱. دانشجوی دکتری سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). javed.qom@gmail.com

۲. دانشیار گروه علمی ادیان، جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه، قم، ایران. Kalam.adyan.mag@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

درآمد

در جوامع اسلامی، ارتباط عمیق میان فقه و اخلاق همواره موضوعی اساسی و نیازمند تحلیل دقیق بوده است. فقه اسلامی، چارچوب‌ها و اصولی را برای تنظیم رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان فراهم می‌آورد؛ در حالی که اخلاق اسلامی به ارزش‌ها، فضایل و رفتارهای مطلوب انسانی می‌پردازد. اگرچه این دو حوزه از جنبه‌های مختلفی به یکدیگر مرتبط هستند، اما گاه در تفسیر و عمل، چالش‌هایی در خصوص تعامل یا اولویت‌بندی آنها بروز می‌کند.

سیره رسول خدا ﷺ نشان‌دهنده ارتباطی ژرف و ناگسستنی میان فقه و اخلاق در تار و پود زندگی اسلامی است. فقه، مجموعه‌ای از اصول و قواعد دینی و اخلاق، نظام ارزش‌ها و رفتارهای نیکو، در سیره عملی و گفتاری ایشان همواره در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. رسول خدا ﷺ، به‌عنوان برجسته‌ترین نمونه انسانیت و الگوی اخلاقی برای مسلمانان، در سیره فقهی خود همواره توجه ویژه‌ای به ابعاد اخلاقی و انسانی مسائل داشته‌اند. رسالت ایشان صرفاً بر تبیین احکام فقهی استوار نبوده، بلکه دعوت به فضایل اخلاقی نیز از ارکان اصلی آن به‌شمار می‌رفته است. از این‌رو، مطالعه نسبت میان فقه و اخلاق در سیره رفتاری و عملی رسول خدا ﷺ، می‌تواند راهگشای حل بسیاری از چالش‌های اخلاقی و فقهی عصر حاضر باشد.

این مقاله با هدف بررسی ارتباط فقه و اخلاق در سیره فقهی رسول خدا ﷺ، از طریق تحلیل نمونه‌هایی از سیره فقهی ایشان تلاش دارد تا نشان دهد چگونه آموزه‌های آن حضرت می‌تواند به-مثابه الگویی برای تبیین و حل مسائل اخلاقی و فقهی روزگار ما در جهت ارتقای مناسبات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. برای دستیابی به این هدف، سیره فقهی پیامبر بررسی شد و موضوعات استخراج شده با نظرات برخی متفکران اسلامی مقایسه شد تا درک بهتری از جایگاه و تأثیرات همزمان فقه و اخلاق در زندگی اجتماعی و فردی مسلمانان حاصل آید.

ضرورت و اهمیت موضوع از آنجا روشن می‌شود که سیره رسول خدا ﷺ به‌عنوان منبع اصلی در استنباط احکام فقهی، می‌تواند به فهمی عمیق‌تر از فقه منجر شود. این ارتباط به ما کمک می‌کند تا قواعد فقهی را در چارچوب جامع‌تر اخلاق اسلامی درک کنیم، از سوی دیگر در جامعه معاصر، برخی احکام فقهی با چالش‌ها و سؤالات اخلاقی مواجه می‌شوند، که سیره پیامبر می‌تواند راهگشا و پاسخ بسیاری از این مشکلات باشد. چنین خوانشی از سیره پیامبر می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی، کاهش تنش‌ها و اختلافات و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر مروت و همکاری کمک کند.

برای دستیابی به درک دقیق‌تر از موضوع، لازم است مفاهیم اصلی تحقیق به صورت شفاف تعریف شود. فقه در منابع لغوی به معنای فهم دقیق و دستیابی به امر ناپیدا از طریق امر حاضر است؛ از این‌رو، اخصّ از مطلق علم می‌آید: «التوصل إلى علم غائب بعلم شاهد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۲)، همچنین «العلم بالشیء والفهم له» (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۵۲۲). در کاربردهای

نخستین، فقه به فهم جامع دین - اعم از عقاید و احکام عملی - اطلاق می‌شد. به تدریج معنای آن تخصصی شد و به دانش احکام شرعی عملی اختصاص یافت. در اصطلاح متأخر، فقه «علم به احکام شرعی عملی از طریق ادله تفصیلی» تعریف شده است (حلی، ۱۳۸۷: ۲۶۴). کارکرد این دانش، تنظیم رفتار فردی و اجتماعی در چارچوب شریعت و تعیین بایدها و نبایدهای عملی مکلفان است (عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۹۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳۵).

اخلاق در لغت، جمع «خُلُق» و «خُلُق» و به معنای سرشت و هیئت باطنی انسان است و در برابر «خُلُق» قرار می‌گیرد که ناظر به صورت ظاهری است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۹۴). در اصطلاح، اخلاق دانشی است که به فضایل و رذایل نفسانی و ارزش‌های حاکم بر روابط انسانی می‌پردازد و غایت آن تعالی نفس و پرورش کمالات انسانی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۳). مسکویه (۱۳۷۵: ۵۷-۵۸) اخلاق را «حالتی نفسانی» می‌داند که موجب صدور افعال بدون نیاز به تأمل می‌شود؛ تعریفی که بر جنبه ملکه‌گونه و درونی اخلاق تأکید دارد.

سیره از ریشه «سیر» به معنای حرکت و جریان گرفته شده و در ساختار صرفی خود بر نوع و شیوه دلالت دارد (عمید، ۱۳۸۰: ذیل «سیره»؛ طریحی، ۱۴۱۴: ذیل «سیره»؛ ابن فارس، ۱۴۱۱: ۱۲۰). در اصطلاح، سیره به شیوه و سبک رفتار اطلاق می‌شود و گاه در کنار سنت به کار می‌رود؛ با این تفاوت که سنت اعم از قول، فعل و تقریر است و سیره ناظر به الگوی مستمر و حاکم بر رفتار است (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۷۸). از این رو، سیره پیامبر ﷺ به اصول و مبانی جاری در گفتار و رفتار مستمر ایشان اشاره دارد که به مثابه الگوی هنجاری برای زیست دینی تلقی می‌شود (ابن هشام، ۱۹۹۱: ۱۰-۱۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۴).

پیشینه پژوهش

حسینی (۱۳۹۴ ش) در بررسی مفهوم و منابع معرفتی فقه و اخلاق، چگونگی رابطه علمی و منطقی و تمایز میان آن دو، بیان کرده است که با وجود نوعی همپوشانی، آن دو قطعاً در مقام تعارض و تباین با یکدیگر نیستند. شهریار و فروهی (۱۴۰۲ ش) رابطه قدرت و اخلاق را بررسی کرده و نشان داده‌اند که «خلق عظیم» پیامبر، «تولید قدرت» کرد و در قالب «نیروی اثربخش» در گرایش و پذیرش اسلام و همراهی با پیامبر و همچنین در ایجاد تغییرات گسترده در جامعه جاهلی، بازتاب یافته بود. سنجانی و شکر بیگی (۱۳۹۷ ش) اخلاق و فقه را مکمل یکدیگر دانسته‌اند. بهجتی پور و یعقوب زاده (۱۴۰۰ ش) به کاربرد و نقش سیره پیامبر خدا ﷺ در بیان احکام فقهی حج از سوی ائمه توجه کرده‌اند. با وجود گستردگی منابع موجود در حوزه سیره نبوی، و ارتباط فقه و اخلاق، به نظر می‌رسد پژوهش مستقلی که به طور خاص به بررسی ارتباط فقه و اخلاق بر اساس سیره فقهی رسول خدا ﷺ پرداخته و آثار اجتماعی آن را بررسی و تحلیل کرده باشد، انجام نشده است.

فقه و اخلاق در سیره پیامبر و آثار اجتماعی آن

سیره پیامبر اکرم یکی از مهم‌ترین منابع شناخت نسبت فقه و اخلاق در منظومه معرفتی اسلام است. پیامبر احکام شرعی را همواره همراه با جهت‌گیری اخلاقی و اجتماعی جاری می‌ساختند. بر این اساس، تحلیل روایات مربوط به سبک زندگی پیامبر امکان درک لایه‌های عمیق‌تری از کارکرد اجتماعی احکام شرعی و فضایل اخلاقی را فراهم می‌کند.

۱. تأثیر پوشش بر سبک زندگی و روابط اجتماعی

در مورد پوشش گزارش‌های بسیاری در سیره پیامبر وجود دارد. کلینی (۱۴۲۹: ۱۵/۱۳) در روایتی به نوع پوشش پیامبر اشاره دارد که ایشان از پوشش‌های باکیفیت و حتی نفیس مانند طاق، ساج و خمائن، استفاده می‌کردند. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که پیامبر از پوشش آراسته و مناسب استفاده می‌کردند. این رفتار، در کنار جواز فقهی پوشیدن لباس زیبا، الگوی «اعتدال فرهنگی» را در جامعه اسلامی ایجاد می‌کند. از منظر اجتماعی، این سیره مانع شکل‌گیری شکاف‌های نمادین و رقابت‌های مصرف‌گرایانه می‌شود و سبک زندگی وقارآمیز اما غیر اشرافی را ترویج می‌کند. پیامبر با چنین رویکردی، مصرف را از اسراف دور کرده و آن را در قالب یک رفتار اخلاقی متعادل سامان می‌دهند.

این رفتار رسول خدا ﷺ، پیامی مهم در مورد فرهنگ مصرف و اقتصاد اجتماعی ارائه می‌دهد. در نگاه اول، ممکن است با مفهوم زهد و سادگی در تضاد به نظر آید، اما در واقع، پیامبر با این عمل، الگویی از اعتدال و بهره‌مندی مشروع از مواهب الهی را تبیین می‌کند. از منظر اجتماعی، این الگو به جامعه می‌آموزد که کیفیت، زیبایی و آراستگی در زندگی مادی (همچون پوشاک) نه تنها مذموم نیست، بلکه می‌تواند بخشی از کمال انسانی باشد، مشروط به آنکه از اسراف، تکاثر و تفاخر به دور باشد (اعراف/۱۳). این رویکرد، از یک سو به پویایی اقتصادی و تشویق تولیدکنندگان به ارائه محصولات باکیفیت کمک می‌کند و از سوی دیگر، نفی رهبانیت و ریاضت‌های افراطی را در پی دارد. در نتیجه، این سیره در تنظیم هنجارهای اجتماعی مربوط به سبک زندگی، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی نقش محوری ایفا می‌کند و جامعه را به سمت تعادل میان نیازهای مادی و معنوی، و دوری از افراط و تفریط سوق می‌دهد. این توازن، سلامت روانی جامعه را تضمین کرده و از بروز شکاف‌های طبقاتی ناشی از تفاوت در سبک زندگی‌های افراطی می‌کاهد. با الگوگیری از این سیره می‌توان به شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی مناسب اشاره کرد؛ زیرا تا ساختارهای مناسب ایجاد نشود تحول اجتماعی ممکن نخواهد بود. اگر این ساختارها با مبانی اسلامی شکل گرفته باشد، رفتارها و تمایلات جامعه را به سوی تعادل و دوری از مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق و جهت می‌دهد.

۲. تأثیر پاکیزگی و بهداشت بر روابط اجتماعی

در گزارش‌های مربوط به سیره پیامبر به نظافت و پاکیزگی توجه ویژه شده است. در بیانی رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس جامه‌ای بر تن کند، باید آن را تمیز نگه دارد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳/۳۴۰). در سطح فقهی، طهارت لباس شرط صحت برخی عبادات مانند نماز است. در بُعد اخلاقی، نظافت یک ارزش برجسته مطرح می‌شود. پیامبر این الزام فقهی را به سطح «اخلاق مدنی» ارتقا می‌دهد. پاکیزگی لباس در این سیره به هنجاری اجتماعی تبدیل می‌شود که تأثیر آن بر بهداشت عمومی، نظم شهری و تقویت احترام متقابل میان افراد جامعه کاملاً قابل مشاهده است. این نوع از ارتقای اخلاقی یک حکم شرعی، نمونه‌ای از «آثار اجتماعی احکام فقهی» در تولید نظم و سلامت عمومی است.

در سیره پیامبر گزارش شده، هر وقت ایشان به دیدار اصحاب می‌رفت، موهایش را شانه می‌کرد، عطر می‌زد و می‌فرمود خداوند انسان‌هایی را دوست دارد که علاوه بر خانواده، در کنار دوستان و آشنایان شان هم با آراستگی و پاکیزگی حضور یابند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۷۹/۱). به مسواک و بهداشت دهان و دندان در سیره رسول خدا ﷺ چنان سختگیرانه توجه شده که ایشان مسواک زدن را نشانه عقل دانسته و آثار فروانی برای آن ذکر کرده است (مصباح الشریعه، ۱۳۶۰: ۳۵). رسول خدا ﷺ قبل از خواب مسواک می‌زد. هرگاه می‌خواستید، مسواک را بالای سر خود می‌گذاشت و وقتی از خواب بیدار می‌شد مسواک می‌زد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۲۵۳).

این سیره نبوی فراتر از یک رفتار فردی، دارای پیامدهای عمیق اجتماعی در حوزه بهداشت عمومی و احترام متقابل است. از منظر اجتماعی، تأکید بر نظافت فردی، به تقویت سلامت عمومی جامعه منجر می‌شود؛ زیرا با کاهش انتشار آلودگی‌ها و بیماری‌ها، بار سیستم بهداشتی کاهش یافته و کیفیت زندگی ارتقا می‌یابد. علاوه بر این، رعایت نظافت شخصی به افزایش اعتماد به نفس فردی و احترام اجتماعی می‌انجامد. فردی که به ظاهر و نظافت خود اهمیت می‌دهد، در تعاملات اجتماعی با احترام بیشتری مواجه شده و این خود به تقویت هنجارهای اجتماعی مثبت در زمینه آراستگی و نظم کمک می‌کند. این سیره، پایه‌های اولیه اخلاق شهروندی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قبال محیط زیست و بهداشت مشترک را بنا می‌نهد و نشان می‌دهد که پاکیزگی بخشی لاینفک از سلوک یک مؤمن و شهروند مسئول است.

۳. ارتقای امنیت روانی و سلامت معنوی در جامعه

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کرد: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ما گروه فرشتگان، وارد خانه‌ای که در آن سگ یا عکس جاندار و ظرف ادرار باشد، نمی‌شویم (کلینی، ۱۴۲۹: ۶/۳۸۰). این روایت‌ها، ابعادی فراتر از احکام فقهی طهارت و نجاست را در برمی‌گیرد و به اهمیت قداست،

پاکیزگی معنوی و روانی محیط زندگی اشاره دارد. از منظر اجتماعی، این دستورات در شکل‌دهی به سبک زندگی و تنظیم فضای روانی خانواده و جامعه نقش کلیدی ایفا می‌کنند. تأکید بر دوری از مواردی که با حس پاکیزگی و حرمت مکان‌های معنوی در تضاد هستند، به حفظ آرامش، امنیت روانی و سلامت معنوی افراد در محیط خانه کمک می‌کند. خانه‌ای که از آلودگی‌های مادی و بصری دور باشد، به فضایی مناسب برای رشد اخلاقی، تربیت فرزندان و تعمیق روابط خانوادگی بر پایه احترام و معنویت تبدیل می‌شود. زیرا خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است و تأثیر فراوانی بر تربیت اجتماعی دارد. محیط خانواده، اولین بستر شکل‌گیری شخصیت و تربیت اجتماعی افراد است.

سیره پیامبر به‌طور غیرمستقیم بر کیفیت تعاملات اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. پاکیزگی و قداست خانه، پایه‌های نظم اجتماعی، انضباط فردی و احترام به حریم‌های عمومی و خصوصی را در جامعه تقویت می‌کند. در سیره خانوادگی پیامبر اسلام، همکاری و مشارکت در امور خانه نیز به‌عنوان رفتاری اخلاقی با آثار اجتماعی تعیین‌کننده مطرح شده است. رفتار و سیره رسول خدا ﷺ در مشارکت فعال در امور خانه و یاری رساندن به همسر، جلوه‌ای از اخلاق مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کوچک‌ترین نهاد جامعه یعنی خانواده است. از نظر اخلاق اسلامی، چنین مشارکتی بیانگر فروتنی، رعایت کرامت انسانی زن و مقابله با سلطه‌گری مردانه در نظام خانوادگی است. از بعد اجتماعی نیز این رفتار پیامبر می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تحول در روابط جنسیتی، کاهش تعارضات خانوادگی، افزایش همبستگی عاطفی و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح خانواده تلقی شود.

در چارچوب جامعه‌شناسی دینی، خانواده نخستین مدرسه فضایل اخلاقی است. هر نوع رفتار یاریگرانه در فضای خانواده، بازتابی در جامعه بزرگ‌تر دارد. مشارکت مرد در کار منزل نه تنها موجب افزایش محبت و اعتماد متقابل میان زوجین می‌شود، بلکه الگویی تربیتی برای فرزندان و نسل‌های بعدی در خصوص «تقسیم مسئولیت، احترام متقابل و روحیه خدمت» فراهم می‌سازد. پیامبر در زمان حضور در خانه، خود به دوخت و وصله زدن لباس و پای افزار، دوشیدن حیوانات، بستن زانوی شتر، کمک به آسیاب کردن گندم و کمک به اهل خانه می‌پرداختند (ابن شهر آشوب مازندارنی، ۱۳۹۲: ۳۳۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۳/۱۶). این رفتار، مصداقی برجسته از تلفیق فقه و اخلاق در عرصه زندگی خانوادگی است؛ زیرا پیامبر عملی را که در ظاهر از تکالیف شرعی محسوب نمی‌شود، در سطحی از ثواب و ارزش الهی قرار داد. در این نگاه، خانه صرفاً محل انجام وظایف نیست، بلکه عرصه تحقق عبودیت و اخلاق اجتماعی است.

از منظر ساختارهای اجتماعی، این سیره بر شکل‌گیری فرهنگ تعاون و همدلی میان اعضای خانواده تأکید دارد و به تضعیف ساختارهای سلطه و تبعیض کمک می‌کند. همکاری در کارهای منزل موجب افزایش احترام و محبت میان زن و شوهر، کاهش تنش‌های خانوادگی و تقویت سرمایه عاطفی خانواده می‌شود. پیامبر با این عمل، الگوی جامعه‌ای را پایه‌گذاری کرد که در آن مسئولیت،

مهر و خدمت متقابل جایگزین سلطه‌گری و تمایز مقام‌ها شده است. در سطح کلان اجتماعی، چنین نگرشی به خانواده، می‌تواند به نهادینه‌سازی روحیه همکاری، همیاری و عدالت اجتماعی منجر و زمینه‌ساز تقویت پیوندهای انسانی و انسجام اجتماعی در جامعه اسلامی شود. این رویکرد، خانواده را از حالت ساختار صرفاً معیشتی به نهادی اخلاقی- تربیتی ارتقا می‌دهد و در بلندمدت، ضامن سلامت فرهنگی و عدالت اجتماعی در امت اسلامی خواهد شد.

۴. عدالت اقتصادی و همبستگی اجتماعی

رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه زکات پرداخت نشود، زمین برکاتش را بازخواهد داشت (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴). پیامبر ترک زکات را موجب محرومیت جامعه از برکات می‌داند. این روایت نشان‌دهنده پیوند عمیق فقه مالی با اخلاق اجتماعی است. در حالی که زکات یک تکلیف و واجب شرعی و فقهی است، اما پیامبر آن را در سطح «ساز و کار عدالت اجتماعی» تبیین می‌کنند. سازوکاری که جهت ثروت را به نفع اقشار محروم تنظیم کرده، از انباشت سرمایه جلوگیری می‌کند و به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی کمک می‌رساند. پرداخت زکات با دنیاپرستی و بخل ناسازگار است و تزکیه نفوس را به دنبال دارد (توبه/ ۱۰۹).

از منظر جامعه‌شناسی دین، این رویکرد پیامبر مصداقی روشن از تبدیل یک حکم شرعی به «ضمانت ساختاری سلامت اقتصادی» است. در نتیجه کارکرد زکات از یک واجب فقهی صرف فراتر رفته و یک مبنای حیاتی برای پایداری اجتماعی و اقتصادی خواهد شد. از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی، زکات نه تنها ابزاری برای بازتوزیع ثروت و کاهش فقر است، بلکه به عنوان یک مکانیزم پیشگیرانه تمرکز ثروت و ایجاد شکاف‌های عمیق طبقاتی عمل می‌کند. پیامبر با ربط دادن «عدم پرداخت زکات» به «سلب برکات زمین»، پیوندی میان مسئولیت‌پذیری اقتصادی فردی و رفاه عمومی جامعه و حتی طبیعت برقرار می‌کنند. این نگاه جامع، به تقویت همبستگی اجتماعی و اعتماد متقابل میان اقشار مختلف جامعه منجر می‌شود. وقتی ثروتمندان از طریق زکات به یاری نیازمندان می‌شتابند، حس همدلی و هم‌نوع‌دوستی در جامعه تقویت شده، نارضایتی‌ها کاهش می‌یابد و از بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر (مانند جرم و ناامنی) جلوگیری می‌شود. این رفتار فقهی- اخلاقی رسول خدا ﷺ، زکات را به ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی، تزکیه نفس فردی و تضمین پویایی و سلامت بلندمدت نظام اقتصادی و اجتماعی بدل می‌سازد.

۵. ارتقای نظم و انضباط اجتماعی

نظم و انضباط اجتماعی یکی از پایه‌های اساسی زندگی اجتماعی به‌شمار می‌آید، زیرا در پرتو وقت شناسی و نظم است که روابط اجتماعی متعادل و بهینه می‌شود. در مورد وقت‌شناسی و رعایت زمان

و برنامه‌ریزی برای استفاده بهتر از زمان، در سیره رسول خدا ﷺ سفارش‌های فروانی وجود دارد که نمونه آن در عبادت به‌ویژه اوقات نماز تجلی یافته است. پیامبر در مورد نماز فرمود: خداوند متعال دوست دارد که کار خیر زودتر انجام شود (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۵/۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۰/۲). تأکید بر «نماز اول وقت» و تعلیل آن به تعجیل در کار خیر، فراتر از یک فضیلت عبادی، به الگویی برای نظم، انضباط و مدیریت زمان در زندگی اجتماعی تبدیل می‌شود. از منظر روان‌شناسی اجتماعی و سازمانی، این سیره به تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، وقت‌شناسی و جدیت در انجام وظایف در سطح فردی و جمعی کمک می‌کند. جامعه‌ای که افراد آن به انجام به موقع تعهدات و وظایف خود (چه عبادی و چه اجتماعی) پایبند باشند، به کارآمدی و بهره‌وری بالاتری دست می‌یابد. این انضباط، در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، از جمله نظم ترافیکی، رعایت نوبت، پایبندی به قرارها و تعهدات کاری منعکس می‌شود. این آموزه نبوی، سنگ‌بنای شکل‌گیری فرهنگی از احترام به زمان، تعهد به برنامه‌ریزی و دوری از اهمال‌کاری را فراهم می‌آورد و برای پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای ضروری است. نماز اول وقت، علاوه بر فضیلت شرعی، دارای کارکرد تربیتی و اجتماعی است که نظم فردی را تقویت کرده و پایه‌های نظم اجتماعی را استوار می‌سازد. فرهنگ وقت‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی، از رهگذر تکرار روزانه این رفتار عبادی تقویت می‌شود و این دقیقاً همان تربیت اجتماعی است که سیره پیامبر بر آن مبتنی است.

۶. تأثیر کرامت انسانی بر روابط اجتماعی

از برجسته‌ترین نمونه‌های ارتباط اخلاق با احکام شرعی در سیره پیامبر، گزارشی مربوط به عدم جدایی مادر و فرزند در خرید و فروش کنیز است. این ماجرا را معاویه بن عمار از امام صادق (ع) این‌گونه روایت کرده است: «اسیرانی از یمن نزد رسول خدا ﷺ آورده شدند. هنگامی که به جحفه رسیدند، آذوقه‌شان تمام شد؛ از این‌رو، کنیزی را که مادرش نیز با او بود، فروختند. وقتی نزد پیامبر آمدند، ایشان صدای گریه کنیز را شنید و فرمود: «این گریه برای چیست؟» عرض کردند: «ای رسول خدا! ما به هزینه نیاز پیدا کردیم و دختر این زن را فروختیم». آن حضرت بهای کنیز را پرداخت و او را بازگرداند و فرمود: «یا هر دو را با هم بفروشید، یا هر دو را با هم نگه دارید» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۱۹/۳؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۶۱۹/۲۳). این روایت نشان می‌دهد که مشروعیت فقهی کافی نیست و حفظ کرامت انسانی، انسجام خانوادگی و جلوگیری از آسیب‌های روحی، در اولویت اخلاقی پیامبر قرار داشته است. این نمونه، مبانی انسان‌گرایانه و حقوق‌محور سیره نبوی را آشکار می‌سازد و می‌تواند الگوی سیاست‌گذاری اجتماعی و حقوق خانواده در دوره معاصر قرار گیرد.

این رفتار پیامبر اوج تقدم اخلاق و کرامت انسانی بر احکام فقهی است. اصل بنیادین ارتقای کرامت انسانی در ساختارهای اجتماعی است؛ حتی در مواردی که عملی فقهی و مباح باشد، اگر با

اصول اخلاقی و انسانی و حفظ کرامت انسانی (مانند حفظ روابط خانوادگی و جلوگیری از آلام روحی) در تضاد قرار گیرد، سیره نبوی توصیه‌ای فراتر از فقه صادر می‌کند. از بُعد اجتماعی، این رویکرد به تأسیس یک نظام ارزشی مبتنی بر همدلی، شفقت و ملاحظه عواطف انسانی کمک می‌کند. این امر در معاملات، روابط کاری، حقوق خانواده و حتی در منازعات، به تقویت پیوندهای اجتماعی، کاهش تعارضات و افزایش اعتماد متقابل منجر می‌شود. جامعه‌ای که در آن کرامت انسانی حتی در مباحثات فقهی رعایت شود، از سلامت روانی بالاتری برخوردار بوده و روابط انسانی در آن بر پایه‌های مستحکم‌تری از احترام و دلسوزی استوار خواهد بود.

با توجه به بررسی نمونه‌هایی از سیره پیامبر، فقه و اخلاق در منظومه رفتاری آن حضرت یک کل تفکیک‌ناپذیر هستند. فقه حدّ شرعی رفتار را مشخص می‌کند، اما اخلاق جهت‌دهنده و کامل‌کننده آن است. پیام مهم این بررسی نشانگر این موضوع است که سیره فقهی رسول خدا ﷺ فراتر از اعمال و رفتار فقهی، نوعی سبک زندگی فردی و اجتماعی را پایه‌گذاری می‌کند که علاوه بر رفتارهای حقوقی، رعایت احتیاط و پرهیزگاری و رای قوانین ظاهری را ترویج می‌کند. پیامبر با اجرای احکام در چارچوب فضایل اخلاقی، جامعه‌ای عادلانه، سالم، منظم و کرامت‌محور ساختند. این الگو می‌تواند مبنای طراحی سبک زندگی اسلامی، نظام‌سازی اجتماعی و در نتیجه تحقق تمدن نوین اسلامی در روزگار حاضر شود.

مقایسه سیره رسول خدا ﷺ با اندیشمندان دیگر

بررسی آرای اندیشمندان در رابطه با نسبت فقه و اخلاق، جایگاه الگوبرداری از سیره پیامبر را در این زمینه بیشتر آشکار می‌سازد، چرا که در طول قرن‌های متمادی و سیر تطور علوم ممکن است نظریاتی مطرح شود که با منشأ و الگوی واقعی آن یعنی سیره پیامبر هم‌خوانی و مناسبت نداشته باشد. همانگونه که در تحلیل ارتباط فقه و اخلاق در سیره رسول خدا ﷺ گذشت، احکام فقهی از ارزش‌های اخلاقی جدایی‌ناپذیرند و پیامبر سبک خاص و روش ویژه‌ای را مطرح کردند. ایشان احکام فقهی را در نهایت احتیاط و التزام به مناسبات اخلاقی بروز داده و جامعه را از افراط و تفریط - های ظاهرگرایان و باطن‌گرایان حفظ کردند. بر اساس سیره رسول خدا ﷺ خط‌کشی‌های رایج میان علم اخلاق و علم فقه به راحتی قابل مشاهده و ملموس نیست؛ زیرا این دو حوزه در هم تنیده است. فقه و اخلاق دو حوزه مهم در معارف اسلام به‌شمار می‌روند که با یکدیگر ارتباطات عمیق و گسترده‌ای دارند. فقه به‌عنوان مجموعه‌ای از احکام و مقررات اسلامی و اخلاق به‌عنوان نظامی از ارزش‌ها و فضایل انسانی، هر دو به هدف تربیت افراد و سامان‌دهی جامعه فعالیت می‌کنند.

این بخش به پاسخ این سؤال می‌پردازد که در آرای اندیشمندان چه مشترکات و تمایزاتی بین فقه و اخلاق وجود دارد و آیا شرایط زمانی و مکانی موجب برداشت‌های دیگر و متفاوت با سیره پیامبر شده‌است؟

۱. مشترکات

برخی اندیشمندان مشترکاتی را برای فقه و اخلاق در نظر گرفته‌اند:

(الف) توجه به نیت: نیت تجری و قصد گناه در ترک محرمات، از لحاظ فقهی حرام نیست و عقوبت ندارد. بنابراین اگر کسی با انگیزه خصومت شخصی به قتل برسد، سپس معلوم شود که آن فرد مهدور الدم بوده، در این فرض قصاص و دیه بر قاتل نیست (طبا طبایی، ۱۳۷۰: ش: ۳۴) ولی این شخص از نظر اخلاقی مستحق ملامت است زیرا که انگیزه وی زشت و ناپسند بوده است (مهدوی کنی، ۱۳۹۹: ۳۹۵).

(ب) تأکید بر عدل و انصاف: احکام فقهی بر پایه عدل و انصاف استوار است و رعایت این اصول در معاملات و روابط اجتماعی الزامی است. فقه به نقش عدالت در حکمرانی و روابط اجتماعی اشاره دارد. در اخلاق نیز، عدالت یکی از مهم‌ترین فضایل محسوب می‌شود و پیامبر اسلام به‌عنوان الگوی راستی و انصاف شناخته می‌شود (نهج البلاغه، ۱۴۰۳: ۲۹۷).

(ج) پرهیز از ظلم و تعدی: در فقه، ظلم در هر شکلی، به شدت ممنوع است و آیات و روایات متعددی بر این موضوع تأکید دارند. در اخلاق نیز، ظلم به‌عنوان یک رفتار ناپسند و رذیله اخلاقی شناخته می‌شود و به شدت مذمت شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ۲۲۰).

(د) توجه به روابط انسانی: روابط انسانی و اخلاق اجتماعی یکی از محورهای مشترک بین فقه و اخلاق است. فقه به روابط خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی توجه دارد و احکام مختلفی برای بهبود این روابط ارائه می‌دهد؛ مثلاً در فقه به نقش روابط خانوادگی در پیشرفت اخلاقی انسان پرداخته می‌شود. اخلاق نیز بر اهمیت روابط انسانی و قدرت محبت و دوستی تأکید دارد (مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۲).

(هـ) رعایت حقوق دیگران: یکی دیگر از نقاط مشترک بین احکام فقهی و امور اخلاقی، رعایت حقوق دیگران است. در فقه، احکام مربوط به حق الناس و حق الله وجود دارد و تخطی از این حقوق باعث گناه و عذاب می‌شود؛ از این رو در فقه به اهمیت رعایت حقوق دیگران اشاره شده است. در اخلاق نیز حسن رفتار و رعایت حقوق دیگران از موارد اساسی است که به سلامت روابط جامعه کمک می‌کند (خوئی، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

با توجه به بررسی‌های انجام شده، باور بسیاری از متفکران و اندیشمندان نیز این است که احکام فقهی و امور اخلاقی در بسیاری از جوانب با یکدیگر اشتراک دارند و این دو حوزه مکمل یکدیگر هستند. رعایت اصول اخلاقی در اجرای احکام فقهی و بالعکس، به بهبود جامعه و ارتقای شخصیت فردی و اجتماعی انسان‌ها کمک می‌کند. در نهایت، هر چه انسان‌ها به این نکات توجه بیشتری داشته باشند، زندگی بهتری را تجربه خواهند کرد.

۲. تمایزات

در عین حال اندیشمندان و صاحب نظران در زمینه ارتباط فقه و اخلاق تمایزاتی را مطرح کرده‌اند. به‌طور کلی، تمایز بین احکام فقهی و امور اخلاقی یکی از مباحث مهم در علوم دینی است که به بررسی دو حوزه مختلف در اسلام می‌پردازد. این دو حوزه، اگرچه در برخی موارد همپوشانی دارند، اما از نظر اصول و اهداف تفاوت‌های روشنی با یکدیگر دارند. احکام فقهی به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق می‌شود که بر اساس متون دینی (قرآن و سنت) استخراج شده و مربوط به رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان است. اما امور اخلاقی به مجموعه فضائل و رذائل اخلاقی، رفتارهای پسندیده و ناپسند و اصولی که روابط انسانی را تنظیم می‌کند، اشاره دارد. اخلاق در اسلام به‌عنوان فضیلت و در جهت تقرب به خدا و بهبود روابط انسانی مطرح می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۶-۳۵؛ طباطبائی، ۱۳۷۰: ۷۰-۸۰).

(الف) تعاریف اولیه: احکام فقهی به مجموعه قواعد و مقرراتی اطلاق می‌شود که به رفتارهای انسانی در زندگی اجتماعی مرتبط است و از منابع دینی مانند قرآن، سنت، عقل و اجماع استخراج می‌شود. این احکام معمولاً به دو دسته واجب و حرام (و گاه مستحب و مکروه) تقسیم می‌شوند؛ اما امور اخلاقی به ارزش‌ها و معیارهایی اشاره دارد که رفتارهای انسانی را در راستای فضیلت‌ها و رذیلت‌ها هدایت می‌کند. این موارد بیشتر به معنای درونی و وضعیت روحی انسان‌ها مربوط است تا قواعد فردی و اجتماعی خاص.

(ب) منابع احکام فقهی و امور اخلاقی: احکام فقهی به‌طور عمده از منابع شرعی و دینی استنتاج می‌شوند (خوئی، ۱۹۶۶: ۱۰۰؛ نائینی، ۱۳۹۱: ۲۵۰)؛ در مقابل، اخلاق اسلامی معمولاً از طریق متون روایی و کلامی بررسی می‌شود که ارزش‌های انسانی و فضیلت‌ها را ترویج می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

به‌طور کلی، احکام فقهی و امور اخلاقی دو بُعد اصلی از دین اسلام هستند که با یکدیگر تعامل و در عین حال تمایزهای روشنی دارند. احکام فقهی به صورت قانونی رفتارهای اجتماعی را تنظیم می‌کنند، در حالی که امور اخلاقی بیشتر به تهذیب نفس و رشد فضائل انسانی می‌پردازد.

نتیجه

بررسی سیره فقهی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که فقه و اخلاق در منظومه معرفتی اسلام دو حوزه جدا از یکدیگر نیستند، بلکه دو بُعد هم‌پیوند از هدایت دینی‌اند که تعامل متقابل آنها باعث پویایی نظام اجتماعی و معنوی اسلام می‌شود. پیامبر با نهادینه‌سازی معیارهای اخلاقی در درون احکام فقهی نشان داد که هر حکم شرعی زمانی کارآمد است که همراه با فضیلت اخلاقی و نیت انسانی اجرا شود. این همگرایی، نه تنها کارکرد اجتماعی احکام را تقویت می‌کند، بلکه موجب تحکیم ارزش‌هایی چون عدالت، کرامت انسانی، بهداشت روانی و نظم و همبستگی اجتماعی می‌شود. این هماهنگی ضامن کارآمدی احکام فقهی، اعتلای روابط انسانی و تقویت بافت اجتماعی جامعه است. الگوی نبوی در حوزه‌های مختلف از سبک زندگی و بهداشت گرفته تا روابط اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که سامان‌یابی صحیح جامعه، متوقف بر تلفیق دقیق قانون‌مندی فقهی و فضیلت‌محوری اخلاقی است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تکیه بر بُعد صرفاً فقهی یا صرفاً اخلاقی، به نوعی تقلیل‌گرایی در فهم دین می‌انجامد؛ در حالی که الگوی نبوی، توازن میان الزام فقهی و غایت اخلاقی را معیار عمل قرار می‌دهد. احیای این الگو می‌تواند راهکاری مؤثر برای بازسازی اخلاقی-اجتماعی جوامع اسلامی و بهبود روابط انسانی در دوران معاصر شود و سبک زندگی جدید و پویا را رقم زند و در نهایت موجب گسترش تمدن نوین اسلامی شود.

منابع

- قرآن.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۹۲ش)، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- ابن فارس، احمد (۱۴۱۱)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت، دارالجلیل.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶)، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ابن هشام، ابو محمد (۱۹۹۱)، سیره ابن هشام (سیره النبی)، بیروت، دارالمعرفه.

- بروجردی، حسین (۱۳۸۶ش)، جامع احادیث الشیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.

- بهجتی پور، زهرا و هادی یعقوب زاده (۱۴۰۰ش)، «کاربرد سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فقه»، فصلنامه میقات حج، دوره ۳۰، شماره ۱۱۸، ص ۹۷-۱۱۶.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰ش)، تفسیر موضوعی (مراحل اخلاق در قرآن)، قم، اسراء.

- _____ (۱۳۹۰ش)، فقه و اخلاق، قم، اسراء.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- حسینی، سید محمدرضا (۱۳۹۴ش)، «نسبت فقه و اخلاق در مفهوم و منبع»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال ۶، شماره ۲، ص ۶۸-۸۵.

- حلی، فخرالمحققین (۱۳۸۷ش)، ایضاح القواعد فی شرح مشکلات القواعد، قم، اسماعیلیان.

- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۵ش)، قوانین فقهی، قم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- _____ (۱۹۶۶)، التحرير الوافی، نجف اشرف، بی‌نا.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم.

- زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.

- سنجانی، نسرین و علیرضا شکر بیگی (۱۳۹۷ش)، «بررسی رابطه فقه و اخلاق»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۸، شماره ۴، ص ۱۱۷-۱۳۰.

- شهریاری، بهادر و آرمان فروهی (۱۴۰۲ش)، «تبیین و تحلیل رابطه اخلاق و قدرت در سیره اجتماعی رسول الله صلی الله علیه و آله»، فصلنامه اخلاق پژوهی، دوره ۶، شماره ۳، ص ۸۳-۱۰۳.

- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۴ش)، قوانین اسلامی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی.

- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۷۰ش)، حاشیه المکاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی.

- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۴)، مجمع البحرین، قم، مؤسسه البعثه.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- عمید، حسن (۱۳۸۰ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر سپهر.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹)، کافی، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۷۵ش)، تهذیب الاخلاق، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مصباح الشریعه (۱۳۶۰ش)، منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲ش)، فلسفه اخلاق (تحقیق احمدحسین شریفی)، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، الفصول المختاره، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸ش)، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۹ش)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نائینی، میرزا (۱۳۹۱ش)، الفقه علی المذاهب الاسلامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴)، به کوشش محمد بن حسین شریف الرضی، قم، هجرت.